

## سلاجقه و گسترش ادب فارسی

دکتر بدیع‌الله دبیری نژاد

استاد دانشگاه اصفهان و دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

دوره سلاجقه شامل زمان بین شکست سلطان مسعود غزنوی تا کشته شدن طغرل سوم (۵۹۰) را دربرمی‌گیرد. در این مدت که بیش از یک قرن و نیم طول کشید، سلاجقه و اتابکان و امرای آنان بر بخش مهمی از ایران حکومت کردند، خصوصاً در دوره درخشان ملکشاه سلجوقی، دولت آل سلجوق به اوج قدرت و ترقی و تعالی فرهنگی و ادبی خود رسید. سلاجقه با سرعت توانستند قلمرو حکومت و فتوحات و کشورگشایی خود را تا سواحل مدیترانه و سرحدات امپراتوری روم شرقی در آسیای صغیر و حدود تصرفات خلفای فاطمی گسترش دهند و در سال ۴۷۰ ق حکومت جهانی و امپراتوری زمان را به‌وجود آورند. این فتوحات و گسترش حکومت و فتح پیروزی‌های آنان تا پایان پادشاهی ملکشاه سلجوقی (۴۵۵-۴۸۵) ادامه یافت. بالاخص در زمان پدرش آل اربلان و وزارت وزیر با تدبیر او خواجه نظام‌الملک که با کاردانی و شایستگی قلمرو حکومت وسیع سلجوقی را اداره می‌کرد و با ایجاد تشکیلات منظم و مرتب بر قدرت این خاندان می‌افزود. به جرئت می‌توان گفت تنها سلسله‌ای که بعد از اسلام در این کشور و بلکه در مشرق زمین حکمفرمایی کرد و ممالک اسلامی را تحت یک فرمان و دولت و حکومت واحد درآورد

سلسله سلجوقی است، مخصوصاً در زمان پادشاه ملکشاه، قلمرو دولت سلجوقی به متهای وسعت و عظمت خود رسید، زیرا که از حدّ چین تا مدیترانه و از شمال تا حدّ خوارزم و دشت قباچاق و ماوراء یمن به نام او خطبه می خواندند و امپراتور روم شرقی و امرای عیسوی گرجستان و ابخاز به او خراج می دادند. در عصر این پادشاه و خواجه نظام الملک بسیاری از شهرهای ایران بالاحص شهر اصفهان، از مهم ترین و باشکوه ترین شهرهای دنیا و یکی از آبادترین آنها به شمار می رفت، و از همین سلسله، آثار مهم تاریخی در این شهر به جای مانده است.

پس از فوت ملکشاه بین فرزندان و اخلاف وی اختلافی به وجود آمد و کار اداری حکومت این خاندان مختل گردید و کار عمده آنان به تفرقه و افتراق کشیده شد و ضعف حکومت سلاجقه و جانشینان ملکشاه بیشتر شد. هر یک از اخلاف و بازماندگان خاندان سلجوق در نقطه ای، داعیه استقلال و حکومت خود مختاری داشت، خصوصاً اسارت و شکست سنجر موجب شد که مدعیان حکومت سلاجقه، قدرتی به دست آوردند، از آن جمله اتسز خوارزمشاه اساس و پایه حکومت خود را در خوارزم و جورجانیه پایتخت این دیار استوار کرد. به طور کلی با حکومت اتابکان، در عراق و فارس و بازماندگان سلسله غزنوی و ادامه حکومت خود در لاهور و سند تسلط آل خاقان یا آل افراسیاب (ایلک خان) بر قلمرو دولت سامانی و بالاخره قتل طغرل سوم و طغیان محمد خوارزمشاه و جنگ او با خلیفه بغداد و عدم موفقیت وی، سرانجام حکومت این خاندان و بازماندگان آنان به دست تاتار از میان رفت ولی پایگاه و جایگاه اصلی حکومت این خاندان (آل سلجوق) با توجه به تمام حوادث و پیش آمدها، که مدت دو قرن به طول انجامید، در بلاد ایران بود و سکه و خطبه به نام این خاندان و اتابکان و بازماندگان این سلسله رواج داشت.

دوره سلاجقه از دوره های بسیار درخشان تاریخ ایران به شمار می رود. در این دوره فرهنگ و ادب ایرانی و اسلامی به اوج ترقی و پیشرفت خود رسید و توجه و عنایتی که خاندان این سلسله یعنی آل سلجوق به شعرا، نویسندگان، مورخان و فضلا داشتند موجب شد آثار متنوع و منظوم فراوانی از این دوره باقی بماند.

مؤلف *راحة الصدور و آية السرور* یعنی محمد بن علی بن سلیمان راوندی درباره دوستی،

ادب پروری و گسترش فرهنگ اسلامی چنین می نویسد:



«... و برکت پرورش علما و علم دوستی و حرمت داشت سلاطین آل سلجوق بود که در روی زمین خاصه ممالک عراقین و بلاد خراسان علما خاستند و کتب فقه تصنیف کردند و اخبار و احادیث جمع کردند، و چندان کتب در محکم و متشابیه قرآن و تفاسیر و صحیح اخبار با هم آوردند که میخ دین در دلها راسخ و ثابت گشت چنانکه طمع‌های بد دینان منقطع شد و طوعاً او کرهاً فلاسفه و اهل ملل منسوخ و تناسخیان و دهریان به کلی سر بر فرمان شریعت و مفتیان امت محمد (ص) نهادند، و جمله اقرار دادند که الطرق کله‌ها مسدوده‌ا لّا طریق محمد (ص) و هر بزرگی از علما به تربیت سلطانی سلجوقی منظور جهانیان شد، چنانکه خواجه امام فخرالدین کوفی، خواجه برهان، ابوالفضل کرمانی، خواجه امام حسام بخاری، محمد منصور سرخسی، ناطقی، ناصحی و مسعودی، و به برکات قلم فتوی و قدم تقوای ایشان و نگاهداشت رعیت بر راه شریعت مملکت سلاطین آل سلجوق مستقیم شد و چون پادشاه و زبردست و امیر و وزیر و جمله لشکر در املاک و اقطاعات به وجه شرع و مقتضای فتوای ائمه دین تصرف می‌کردند بلاد معمور و ولایات مسکون ماند که آثار، من صاحب العلما وقر و من صاحب السفهاء حق، هر که با علما مصاحبت کند وقار باید و هر که با سفها و مجالست دارد حقیر شود، و در هر ولایتی امرا به عدل و سیاست پادشاهی مشغول بودند و آنچه موجب دیوان ایشان بود به مساهلت و مسامحت از رعیت حاصل می‌کردند، هم رعیت مرفه می‌بودند و هم امرا می‌آسودند، لشکری مسلمان می‌مرد و عوان و غمّاز و بد دین در آن دولت بر هیچ کار نبودند و آنچه از شهری در این وقت به جور و ظلم حاصل می‌کنند در آن روزگار از اقلیمی برنخاستی، لشکر آن وقت آراسته‌تر و پادشاهان آسوده‌تر و با خواسته‌تر بودند...».

در عصر سلاجقه، زبان و ادب و فرهنگ فارسی پیشرفت و توسعه خاصی یافت. خاندان این سلسله و حکومت‌های کوچک دیگر، در دربار خود شعرا و نویسندگان بزرگ تربیت می‌کردند و به تشویق و ترغیب آنان در عراق و آذربایجان گویندگان بزرگی به ظهور رسیدند و به رواج و گسترش قلمرو زبان و فرهنگ فارسی افزودند. سلاجقه در تأسیس و ایجاد استقلال و شناساندن فرهنگ اصیل این مرز و بوم، فعالیتها و کوششهای مستمر و فراوان کردند. تمدن و آداب ایرانی که

به علت اهمال آل بویه منحصر به ایران شرقی شده بود از مرزهای این سرزمین به خارج کشانده شد.

در این دوره هنرهای مختلف ظریفه مانند نقاشی، معماری، خطاطی (خوشنویسی) بیش از پیش ترقی کرد. در ادوار گذشته به علت فشار و تعدی بیگانگان، تمدن و فرهنگ ایرانی در خطر بود بنابراین با روی کار آمدن آل سلجوق و توسعه قلمرو حکومت آنان و نشر مبانی فرهنگی و ادبی این سرزمین، بار دیگر تمدن سلاجقه ایران که اهمیت به‌سزایی در تاریخ ادب کشورمان دارد جان گرفت.

آقای میرزا اسماعیل خان افشار حمید الملک در مقدمه سلاجوق‌نامه خواجه امام زهیرالدین نیشابوری درباره تمدن ایرانی در عصر سلاجقه چنین می‌نویسد:

«تمدن ایران که بعد از ظهور اسکندر از سواحل شرقی هلسپون و داردانل عقب‌نشینی اختیار کرده بود بعد از چندین قرن دوباره با این خاندان در صحراهای لیدی و فریژی با کمال استحکام ریشه دواند و در ظهور مغول، مملکت سلاجقه روم، پناهگاه امنی برای ایرانیان گردید و آثار ادبا و شعرا و علمای فارسی زبان این مملکت مانند حضرت مولانای رومی، ابن بی‌بی، قانع طوسی، صدرالدین قونوی و صدها غیر آن به هیچ‌وجه در زیبایی، فصاحت و بلاغت از آثار ایرانیان معاصر خود نازل‌تر نیست. صنایع سلاجقه روم در تاریخ صنعت مقام بزرگی دارد و همان صنعت خالص ایرانیست که تحت نفوذ صنایع بیزانس و سوریه شمالی به‌وجود آمد. بالاخره یکی از علائم مشخصه این خانواده ذوق و دل‌باختگی و علاقه شدید بسیاری از افراد این خاندان است به شعر فارسی، مانند طغرل، آخرین پادشاه سلاجقه ایران و کیقباد از سلاجقه روم و غیره که اشعار آنها را می‌توان از حیث زیبایی و بلاغت در ردیف اشعار استادان قرار داد و بدیهی است که اطلاع از جزئیات تاریخ آل سلجوق و شعب آن در تاریخ ایران و سایر ممالک آسیایی غربی اهمیت بخصوصی دارد.

به‌طور کلی دوره سلجوقیان از جهت تعداد گویندگان و سرایندگان از درخشان‌ترین ادوار تاریخی و ادبی ایران به‌شمار می‌رود. سلاجقه، زبان فارسی را زبان رسمی و درباری قرار دادند. وزراء این دوره، خصوصاً عمیدالملک کندی و خواجه نظام الملک، اهل فضل، فرهنگ‌پرور و



شاعرپرور بوده‌اند و از خدمت و عنایت نسبت به فضلا و ادبا دریغ نمی‌کردند و همواره خدمات شایان توجهی به ترقی علوم و ادبیات کرده‌اند.

تأسیس مدارس نظامیه، در بغداد، بلخ، نیشابور، اصفهان و ایجاد کتابخانه‌ها و خانقاه‌ها و مدارس مختلف، اسباب عمده رواج تمدن اسلامی در این عصر درخشان به‌شمار می‌رود خاصه ظهور کسانی مانند امام فخر رازی، امام محمد غزالی، ابوالفرج بن جوزی، شیخ شهاب‌الدین سهروردی، امام الحرمین جوینی و امثال آنان نیز در این عصر تا حد زیادی در نشر و بسط معارف اسلامی موثر واقع شد. زبان فارسی در این عصر رواج کامل یافت. اکثر پادشاهان این خاندان با وجود اینکه خود ترک‌زبان بودند<sup>۱</sup> در بسط و نشر فرهنگ و تمدن ایرانی و شعر و آثار ادبی فارسی و تشویق و ترغیب شعرا و نویسندگان فارسی‌زبان کوشش فراوان کردند و عده‌ای از شعرای این دوره مثل امیرالشعرا معزی، انوری، خاقانی و نظامی در شمار استادان و پیشکسوتان بزرگ شعر و ادب فارسی قرار گرفتند و سخن‌سرایان و نویسندگان دیگری که در این عصر از حمایت و عنایت شاهان و وزرای سلجوقی برخوردار بوده‌اند عبارتند از:

ابوالفضل بیهقی، خواجه عبدالله انصاری، اسدی طوسی، حکیم ناصر خسرو، عمر خیّام، سنایی، جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی و دیگران.

از پادشاهان این خاندان بعضی خود شعر می‌سرودند، چنان‌که ملک‌شاه سلجوقی هم اشعار فارسی از حفظ داشت و هم خود به فارسی شعر می‌گفت و همچنین طغرل سوم آخرین پادشاه این سلسله شاعر بوده است و اشعاری از او روایت شده است. ذوق و علاقه‌ای که پادشاهان این دوره به شعر فارسی داشته‌اند، علی‌الخصوص که محتشمان و داعیان نیز خود به تقلید از سلاطین و خواه به اقتضای ذوق خویش از تشویق شعرا خودداری نمی‌کردند و به همین جهت است که شعر فارسی در این عصر در طریق تکامل و تحول قدم می‌نهد و سبک خاصی به‌نام سبک عراقی به‌وجود می‌آید و با ظهور گویندگان بزرگ که نام آنان ذکر شد این سبک و شیوه گویندگی به اوج کمال خود می‌رسد. توجه پادشاهان این دوره به شعرا موجب گردید که گویندگان قصایدی را در وصف حالات و روحیات و کشورگشایی‌ها و بخشش و انعام آنان اختصاص دهند، چنان‌که می‌دانیم امیرالشعرا معزی و انوری طی قصائد خود سلطان سنجر را ستوده‌اند و حتی شعرای نظیر

عبدالواسع جبلی و کمال‌الدین بخارایی و حکیم سنایی، سلطان سنجر را پیوسته در اشعار خود مدح و ستایش کرده‌اند.

درست است که در این عصر، زبان و ادب فارسی رواج پیدا کرد و نویسندگان و گویندگانی به تألیف و تصنیف آثاری مانند کتاب *الابنیه عن حقایق الادویه* در داروشناسی و مفردات دارو و ناصرخسرو قبادیانی، *زاد المسافرین* را در حکمت نظری و امام محمد غزالی، *کیمیای سعادت* را در حکمت عملی به فارسی نوشتند ولی دانشمندان بزرگی مثل زمخشری و شهرستانی، کتب فراوانی به زبان عربی که در واقع زبان علمی و مذهبی به‌شمار می‌رفت تألیف کردند.

سلاطین سلجوقی در واقع از حامیان بزرگ هنر و صنعت و هنرمندان و صاحبان حرف به‌شمار می‌روند و علاقه‌ای که خاندان این سلسله به هنرهای ظریفه داشتند، هنرمندان بزرگ و استادکاران عالیقدری به ظهور رسیدند.

در زمان پادشاهی این خاندان، اصفهان، مرو، نیشابور، هرات و ری مرکز و مجمع صاحبان هنر و پیشه بوده است که خوشبختانه بسیاری از آثار هنرمندان در موزه‌های داخلی و خارجی دیده می‌شود.

شاهکارهای هنری این هنرمندان از بافندگی، فلزکاری، سفال‌سازی، مینیاتور، تذهیب و خطاطی است و به همین دلیل دوره سلجوقیان از لحاظ سبک و شیوه کارهای هنری و معماری در تاریخ هنر ایران ارزش خاصی را داراست. برای ارائه دلیل در اینجا لازم است به گفتار دانشمند بزرگ کریستی ویلسون توجه شود:

«در این عصر، صنایع و معماری نه تنها در ایران تجدید حیات یافت بلکه با فتوحات سلاجقه، اصول و اسلوب صنایع ایران را تا سواحل مدیترانه و حتی تا شمال آفریقا بسط و گسترش داد و به همین دلیل و کیفیت است که آثار و نمونه‌های شیوه کار هنرمندان ایرانی و صنایع رایج عصر سلجوقی تا قرن‌ها در صنایع مصر و سوریه دیده می‌شود».

در این دوره، خطاطی و بزازی، نساجی و مذهب کاری و هنرهای تزئینی رواج پیدا کرد و حتی هنر موسیقی پیشرفت کاملی یافت و چنان‌که آورده‌اند ابوالمعالی جوینی در نواختن موسیقی و چنگ و طبل مهارتی کامل داشت. در این دوره هنر معماری به درجه کمال رسید و هنرمندان و



معماران چیره‌دست آثار فراوانی در شهرهای اصفهان، اردستان، زواره، گلپایگان و برسیان به وجود آوردند که می‌توان از جمله آنها گنبد نظام‌الملک و گنبد تاج‌الملک را نام برد. از هنرمندان بزرگ خط و کتابت می‌توان ابوالمعالی نحاس اصفهانی را که مدتهای زیادی در خدمت سلاطین سلجوقی به‌خصوص در عهد محمد بن ارسلان و جلال‌الدین ابوالفتح حسن ملک‌شاه و غیاث‌الدین ابوشجاج محمد به کار خطاطی و هنرنمایی مشغول بود نام برد و چون مقام او بر خلیفه وقت عباسی، المستنصر (۴۸۷-۵۱۲) معلوم گردید او را به حضور خود طلبید و فوق‌العاده وی را مورد اکرام و اعزاز خویش قرار داد تا جایی که به درجات بزرگ کشوری نائل آمد و به مسند وزارت و صدارت تکیه زد با وجود مشاغل و مسئولیتهای مهم مملکتی دقیقه‌ای از نوشتن و کتابت قطعات و الواح نمی‌آسود. ابوالمعالی (متوفی ۵۰۹ یا ۵۱۲). در شاعری با امیرالشعرا معزی لاف برابری می‌زد و اشعار نسبتاً جالبی از او باقی مانده است چنان‌که در مدح سلطان ملک‌شاه گوید:

زمانه خصم ترا بر کشد بلند بدانک  
چو بر زمین زندهش خردتر شود مسکین

دوره سلاجقه، یکی از ادوار برجسته و پیشرفت و ترقی خوشنویسی است و مخصوصاً سلاطین اخیر سلجوقی در تشویق خوشنویسان می‌کوشیدند و بعضی مثل طغرل بن ارسلان شاه از سلاجقه عراق و کردستان (۵۷۳-۵۹۰) خود خوش می‌نوشت. درباره خوشنویسی طغرل، راوندی گوید که سلطان طغرل چون میل به تعلیم خط کرد به سال ۵۷۷ محمود بن محمد خال مرا خواست و از او تعلیم خط گرفت و آداب آموخت و خط را به جایی رسانید که «وقتی محمود به محمد بن راوندی ... که خال دعا گوی باشد ... ملاحظه‌ای به خط مبارک سلطان داشت و مصحفی حمایلی به خط اشرف سلطان که ابن بواب و ابن مقبله در حال حیات از نوشتن هزار و یک آن عاجز بودند از برای ملک مازندران به تحفه برد ...».

و نیز گوید «به عهد آن پادشاه بزرگ‌زادگان همه به مکتب (یعنی جای کتابت) می‌نوشتند و هنرمند می‌آسود. هر خطاطی ده جا مکتب داشت و هر ادیبی دو سه مکتب داشت. از معاریف و مشاهیر، خط‌نویسان و خط‌شناسان دوره سلجوقی ابوبکر نجم‌الدین محمد بن علی بن سلیمان راوندی صاحب کتاب *راحة الصدور و آية السرور* در تاریخ سلاجقه است.

راوندی در کودکی پدرش درگذشت و قحطی سال ۵۷۰ که در اصفهان و اطراف اتفاق افتاد به او و خاندانش صدمه بسیار وارد آورد ولی خال دیگر وی ابوالفضل احمد بن محمد را تربیت کرد.

ابوالفضل خود از دانشمندان و فضلاء عصر بود و از هنر خط و خطاطی بهره کافی داشت. راوندی مدت ده سال تمام در نزد دایی خود بود و با او تمام شهرهای عراق را دیدن کرد درباره خوشنویسی خود گوید:

«در علم خط چنان شدم که نمودارش در این کتاب (مقصود راحة الصدور است) روشن شود. هفتاد گونه خط را ضبط کردم و از نسخ مصحف و تذهیب و جلد که به غایت آموخته بودم...»  
زمانی که در مسافرت بود بزرگان و دانشمندانی چند در شهرهای عراق مجتمع بودند و مرکز آنها شهر اصفهان بود و نیز همدان که مرکز حکومت طغرل بن ارسلان سلجوقی بود مجمع فضلاء و دانشمندان و هنرمندان بود.

راوندی به امیر سیّد عماد الدّین مرادانشاه برادر طغرل قرآن و خط می آموخت و ۵ تا ۶ سال در خاندان ایشان بود و از عنایات و توجهات آن خاندان برخوردار می گردید.  
باز راوندی در کتاب راحة الصدور گوید:

«بیشتر معاریف و پادشاهان و ارکان دولت پسران را اسم شاگردان دعاگوی خالان حاصل آمد و کسانی که به بلاغت معروف بودند و صوب خراسان به خط و هنر تفاخر به شاگردی ما کردند...». بعد از سال ۵۹۰ و مرگ طغرل راوندی مدتی سرگردان بود تا سال ۵۹۹ کتاب راحة الصدور را که به نام غیاث الدّین ابوالفتح کیخسروبن قلیج ارسلان از سلاجقه روم (۵۸۸-۶۰۷) تألیف کرد و به خدمت وی رسید و تقدیم داشت. در همین کتاب فصلی مشور و منظوم در معرفت اصول و قواعد خطوط آورده است و به دنبال آن فصل گوید: اصول خط را کتابی دیگر مفصل ساخته ام ولی این کتاب به دست نیست...».

خلاصه اینکه زبان و فرهنگ و ادب فارسی و کلیه مظاهر هنری در این دوره پیشرفت و ترقی زیادی کرد و چنانکه امروزه در اقصی نقاط جهان هنرنامه‌ی هنرمندان و معماران این دوره





مورد توجه و ستایش و تحسین قرار گرفته که دلپش پیدایش آثاریست پیرامون خاندان سلجوق و نحوه حکومت و توجه آنان به فرهنگ و ادب فارسی.

### پی‌نوشت‌ها

۱. پادشاهان این سلسله اگرچه ایرانی‌نژاد نبودند ولی به علت علاقه زیادی که به این سرزمین نشان می‌دادند، مرکز اقتدارشان ایران شد و به تدریج به خلق و خوی ایرانیان انس گرفتند و مانند سلاطین بزرگ این کشور در این خطه پهناور حکمفرمایی کردند و با شروع پادشاهی ملکشاه بار دیگر تعادلی در وضع آشفته پیشین به وجود آمد.

### منابع

- ابن بی بی محمد، *اوامر العالیه*.
- اقبال آشتیانی، عباس، *تاریخ مفصل ایران (سلاجقه)*.
- باستانی پاریزی، *سلاجقه کرمان*.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*.
- رازی، عبدالله، *تاریخ مفصل ایران*.
- *سلجوقنامه خواجه امام ظهیرالدین نیشابور*، به کوشش آقا میرزا اسماعیل خان افشار حمیدالملک.
- سیاست‌نامه یا سیرالملوک خواجه نظام‌الملک وزیر.
- صفا، ذبیح‌الله، *تاریخ ادبیات ایران*، جلد دوم.
- فیاض، علی اکبر، *تاریخ بیهمی*.
- قانع‌توسی، کللیله و دمنه منظوم، به کوشش پروفیسور ماگالی تودووا.
- قبادیانی، ناصر خسرو، *زاد المسافرین*.
- محمد بن علی بن سلیمان راوندی، ابوبکر نجم‌الدین، *راحة الصدور و آیه السرور*، (در تاریخ سلاجقه).
- مصاحب، غلام‌حسین، *دائرة المعارف فارسی*.
- معین، محمد، *چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی*.